

تاپی (خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند)

زمینه های ایجاد و موانع پیش رو

مریم بایی لاشکی^۱، دکتر عزت الله عزتی^۲

۱- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

گاز طبیعی بدلیل آلاینده‌گی زیست محیطی کمتر و دسترسی و انتقال آسان، علیرغم افزایش قیمت در سالهای اخیر از بالاترین رشد تقاضا در میان سوخت‌های فسیلی برخوردار بوده است. بیشترین ذخایر گازی دنیا در دو منطقه خلیج فارس و خزر قرار دارد و کشورهای جنوب آسیا از جمله بازارهای بزرگ مصرف گاز خلیج فارس و خزر هستند. گزینه‌های مختلفی برای انتقال گاز خلیج فارس و خزر به این مناطق پیش بینی شده است. یکی از این گزینه‌ها، انتقال گاز ترکمنستان به هند از طریق خاک افغانستان و پاکستان است. این مقاله بدنبال پاسخ به این سوالات است: دلایل و زمینه‌های طرح خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به هند موسوم به تاپی و موانع و مشکلات پیش روی احداث آن کدامند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله نیاز رو به رشد هند و پاکستان به گاز در طرح این خط لوله نقش داشته و در عین حال بدلیل انتقال گاز از خاک افغانستان و پاکستان، موانع زیادی نیز از جمله مشکلات امنیتی در پاکستان و افغانستان و اختلافات بر سر قیمت گاز، در انتقال گاز ترکمنستان به هند وجود دارد که در صورت حل نشدن آنها در روند احداث خط لوله و انتقال گاز اختلال ایجاد خواهد شد.

کلید واژه‌ها: منابع انرژی، گاز طبیعی، خزر، ترکمنستان، خط لوله تاپی

مقدمه:

با حفر اولین چاه نفتی در پنسیلوانیا در ۱۸۵۹ م، حفاری در نقاط دیگر چون به اکو هم انجام شد بطوریکه در ۱۹۰۰ م به اکو و گروزی حدود نیمی از نفت جهان را تولید می کردند که در اختیار روسیه بود. (کاندیوتی، ۱۳۸۸، ص ۲۶ - ۲۷) در نیمه اول قرن ۲۰ م به‌ویژه در طول جنگ اول و دوم، نفت به اکسیژنی برای حیات کشورهای درگیر در جنگ تبدیل شد. در این زمان نیاز کشورهای درگیر در جنگ به نفت جهت تجهیز و راه اندازی ادوات و ابزار آلات جنگی از جمله تانک و هواپیما و کشتی‌ها بیشتر شد و شرکتهای بزرگ آمریکایی و انگلیسی و هلندی

شروع به اکتشاف و استخراج نفت در مناطق مختلف دنیا به‌ویژه در خاورمیانه کردند. در خاورمیانه اولین نفت تجاری در جنوب غرب ایران در مسجد سلیمان در ۱۹۰۸ م کشف شد. در نیمه دوم قرن بیستم و در دوران جنگ سرد نفت به اولویت اول سیاست خارجی کشورهای صنعتی تبدیل شد و مصرف انرژی بدلیل ماشینی شدن زندگی و رشد صنعت و شهرنشینی رشد بی سابقه ای داشته است. بعد از جنگ سرد نیز این روند تا به امروز ادامه دارد و با افزایش جمعیت جهان، رشد تقاضای انرژی بخصوص در کشورهای توسعه یافته صنعتی از یکسو و محدود بودن انرژی از سوی دیگر، کشورهای دنیا را با مشکل تامین انرژی روبرو کرده است. رقابت برای دستیابی آسان انرژی موجب شد موضوع انرژی و امنیت جهانی انرژی همواره به اولویت سیاست خارجی کشورها تبدیل شود. در بین انرژی‌ها، گاز طبیعی به دلیل ویژگیهای مثبت زیست محیطی، آلاینده‌گی کمتر و سازگاری بیشتر با محیط زیست و قیمت ارزانتر از نفت، پر کاربردترین انرژی مصرفی اولیه جهان است که هر ساله با رشد تقاضا مواجه است. بهمین خاطر است که کارشناسان مسایل نفتی دهه های آینده را از آن گاز میدانند. از این روی در آینده نه چندان دور آنچه هم اکنون از آن به‌عنوان دیپلماسی نفتی نام به رده میشود، به‌صورت دیپلماسی گازی مطرح خواهد شد (آدمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

بیان مساله

بیشتر ذخایر انرژی دنیادرمثلث استراتژیک خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز قراردار. نزدیک به ۶۰ درصد از کل ذخایر نفتی و ۴۰ درصد از کل ذخایر گازی دنیا در این مثلث استراتژی ذخیره شده است. افزایش تقاضای جهانی گاز موجب شده این دو منطقه به کانون توجه کشورهای صنعتی غرب تبدیل شده و این کشورها در صدد هستند تا علاوه بر کنترل ذخایر گاز این مناطق، بدنبال مسیرهای امنی برای انتقال انرژی به کشورهای خود باشند. غیر از کشورهای صنعتی غرب، رشد مصرف گاز در آسیا در دهه گذشته موضوع تأمین این ماده و امنیت آن را برای کشورهای در حال توسعه این قاره به یکی از مسائل مهم تبدیل کرده است. هند از جمله کشورهای آسیایی است که در دهه اخیر مصرف گاز این کشور همراه با رشد اقتصادی و تغییر زندگی مردم با توجه به جمعیت عظیم آن در حال افزایش است بنابراین به دلیل نزدیکی به آسیای مرکزی بدنبال ایجاد مسیرهایی برای دریافت گاز از این منطقه است. ترکمنستان یکی از کشورهای حوزه خزر است که با داشتن ذخایر بالای انرژی و نزدیکی به جنوب آسیا به یکی از گزینه‌های مهم تامین گاز هند تبدیل شده است. در این مقاله به یکی از مسیرهای انتقال گاز ترکمنستان به هند موسوم به تاپی و دلایل طرح آن و نیز مشکلات پیش روی اجرایی شدن آن اشاره میشود.

روش تحقیق:

گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحقیق بر پایه روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر اطلاعات جمع آوری شده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است. تلاش شد تا از جدیدترین و موثق ترین اطلاعات کتابخانه‌ای و جدیدترین اطلاعات آماری منتشرشده از مراکز و موسسات معتبر بین المللی درباره میزان ذخایر انرژی حوزه خزر و خلیج فارس در دهه اخیر استفاده شود.

ذخایر، تولید و مصرف جهانی گاز:

شرکتهای مختلف بین المللی انرژی آمارهای متفاوتی از میزان ذخایر، تولید و مصرف گاز طبیعی جهان ارائه میدهند. علیرغم تفاوتها در آمارها، همه آنها در این مساله متفق القول هستند که بیشتر ذخایر گاز دنیا در دو منطقه خلیج فارس و خزر قرار دارد. جفری کمپ ژئوپلسین معروف آمریکایی در کتاب خود با عنوان جغرافیای استراتژیک خاورمیانه با طرح اصطلاح بیضی استراتژیک انرژی معتقد است حدود ۷۰ درصد ذخایر اثبات شده جهانی نفت و بیش از ۴۰ درصد منابع گاز طبیعی جهان در داخل منطقه تخم مرغ شکلی که از جنوب روسیه و قزاقستان شروع و تا عربستان و امارات متحده ادامه می یابد وجود دارد. وی دو حوزه فوق را به عنوان منشا ژئواکونومیکی جهان معرفی میکند (کمپ وهارکاو، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

جدول شماره ۱ - کشورهای مهم دارنده ذخایر، تولید و مصرف جهانی گاز (متر مکعب) در ۲۰۱۱ م.

رتبه	مناطق	ذخائر (تریلیون م.م)	سهم ذخایر (درصد)	مناطق	حجم تولید (میلیارد م.م)	سهم تولید (درصد)	مناطق	میزان مصرف (میلیارد م.م)	سهم مصرف (درصد)
۱	روسیه	۴۴/۶	۲۱/۴٪	آمریکا	۶۵۱/۳	۲۰٪	آمریکا	۶۹۰/۱	۲۱/۵٪
۲	ایران	۳۳/۱	۱۵/۹٪	روسیه	۶۰۷	۱۸/۵٪	روسیه	۴۲۴/۶	۱۳/۲٪
۳	قطر	۲۵	۱۲٪	کانادا	۱۶۰/۵	۴/۹٪	ایران	۱۵۳/۳	۴/۷٪
۴	ترکمنستان	۲۴/۳	۱۱/۷٪	ایران	۱۵۱/۸	۴/۶٪	چین	۱۳۰/۷	۴٪
۵	آمریکا	۸/۵	۴/۱٪	قطر	۱۴۶/۸	۴/۵٪	ژاپن	۱۰۵/۵	۳/۳٪
۶	عربستان	۸/۲	۳/۹٪	چین	۱۰۲/۵	۳/۱٪	کانادا	۱۰۴/۸	۳/۲٪
	کل دنیا	۲۰۸/۴		کل دنیا	۳۲۷۶/۲		کل دنیا	۳۲۲۲/۹	

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2011

برآورد می شود که میزان ذخایر گاز طبیعی جهان بیش از این باشد زیرا بخش زیادی از این ذخایر هنوز شناسایی و استخراج نشده اند. طبق جدول در ذخایر جهانی روسیه، ایران و قطر بترتیب در رتبه اول تا سوم، در تولید آمریکا، روسیه و کانادا رتبه های اول تا سوم و در مصرف گاز طبیعی آمریکا، روسیه و ایران بترتیب رتبه های اول تا سوم جهان راداشته اند. بررسی جدول ذخایر و تولید گاز طبیعی در سال ۲۰۱۱ نشان میدهد که کشورهای خاورمیانه به ویژه ایران و قطر دارای ذخایر بالا هستند اما تولید گاز در آنها چندان بالا نیست. همانطور که اشاره شد شرکت های بین المللی انرژی متفق القول هستند که بیشتر ذخایر گاز دنیا در دو منطقه خلیج فارس و خزر قرار دارد.

² British Petroleum

جدول شماره ۲ - ذخایر گاز خزر و خلیج فارس (متر مکعب) در ۲۰۱۱ م.

رتبه	خلیج فارس	ذخائر (تریلیون م. م)	سهم ذخایر (درصد)	خزر	ذخائر (تریلیون م. م)	سهم ذخایر (درصد)
۱	ایران	۳۳/۱	٪۱۵/۹	روسیه	۴۴/۶	٪۲۱/۴
۲	قطر	۲۵	٪۱۲	ترکمنستان	۲۴/۳	٪۱۱/۷
۳	عربستان	۸/۲	۳/۹	قزاقستان	۱/۹	٪۰/۹
۴	امارات	۶/۱	٪۲/۹	آذربایجان	۱/۳	٪۰/۶
۵	عراق	۳/۶	٪۱/۷			
۶	کویت	۱/۸	٪۰/۹			
۷	عمان	۰/۹	٪۰/۵			
۸	بحرین	۰/۳	٪۰/۲			
	کل منطقه	۷۹	٪۳۸	کل منطقه	۷۲/۱	٪۳۴/۶

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2011

مجموع ذخایر گازی کشورهای خلیج فارس را در سال ۲۰۱۱، ۷۹ تریلیون متر مکعب بوده که حدود ٪۳۸ درصد از کل ذخایر دنیا را شامل میشود. بزرگترین میدان گازی جهان پارس جنوبی درفلات قاره خلیج فارس قرار دارد (Bp,2011). در خصوص برآورد میزان ذخایر خزر تحقیقات زیادی توسط شرکتها و موسسات انرژی بین المللی اروپایی و آمریکایی صورت گرفت و هر کدام آمارهای متفاوتی ارائه کرده اند. از دلایل تفاوت آمارها اینست که بدلیل نامشخص بودن تقسیمات خزر هنوز سرمایه گذاری خارجی و فعالیت های اکتشافی کافی برای تعیین میزان نفت و گاز منطقه انجام نشده است. نتیجه آنکه تولیدات این کشورها چندان بالا نبوده و هنوز آنها را در ردیف تولید کنندگان کوچک انرژی قرار دارند. دلیل دیگر آنکه آمریکا با ارائه آمارهای بالا از ذخایر انرژی خزر، سعی در کاهش اهمیت خلیج فارس و جلب سرمایه گذاران غربی به ویژه آمریکایی برای فعالیت در منابع نفت و گاز خزر دارد. مؤسسه Bp ذخایر گازی کشورهای حاشیه خزر را بدون احتساب ایران در این سال ۷۲/۱ تریلیون متر مکعب معادل ٪۳۴/۶ از کل ذخایر دنیا برآورد کرده است. از آمارها پیداست که میزان ذخایر انرژی خزر بسیار پایینتر از خلیج فارس است. با این حال نباید از اهمیت انرژی خزر غافل شد چرا که برخی کارشناسان، خزر را سومین منبع بزرگ نفت و گاز جهان پس از خلیج فارس و سبیری اعلام کرده اند.

اهمیت ژئوپلیتیکی خزر:

منطقه خزر به واسطه برخورداری از ذخایر انرژی، واقع شدن در اطراف ایران و روسیه، حلقه اتصال آسیای مرکزی و قفقاز و ... برای قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در فردای فروپاشی شوروی موقعیت مهمی را احراز کرده است. در واقع هر قدرتی که اکتشاف، تولید و انتقال انرژی منطقه را بر عهده گیرد یا سهم بیشتری در آن داشته باشد، بهتر می تواند از فرصت های ژئوپلیتیک این منطقه بهره مند شود. امروزه آمریکا و روسیه با کنار زدن رقباء به مهمترین بازیگران منطقه تبدیل شدند (دیلمی معزی، ۱۳۸۸).

ذخایر گازی خزر عظیم تر از ذخایر نفتی آن است و کشورهای حوزه خزر پتانسیل خوبی را برای بدل شدن به صادرکنندگان بزرگ گاز دارند. در حال حاضر گاز خزر بازارهای متعددی را جهت عرضه پیشروی خود دارد. کشورهای اروپایی و از جمله ترکیه، کشورهای شرق آسیا به ویژه چین و ژاپن و در جنوب آسیا هند و پاکستان هم از مشتریان انرژی منطقه هستند. بر این اساس طرحهای متعددی برای انتقال انرژی بین کشورهای حوزه خزر به نقاط دیگر دنیا ارایه شده است.

اما کشورهای حوزه خزر برای فروش نفت و گاز خود با مشکلات عدیده جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی روبرو هستند. دریای خزری یک منطقه محصوردرخشکی بوده و به آبهای آزاد راه ندارد بنابراین حمل و نقل به وسیله نفتکش میسرنبوده و تنه‌اره انتقال با خط لوله می‌باشد. بهمین دلیل این کشورها به همسایگان خود از جمله روسیه و ایران وابسته هستند. برای مثال باید با عبورخط لوله از خاک ایران، نفت و گاز خود را به ساحل خلیج فارس رسانده و از آنجا با نفتکش به کشورهای متقاضی در شرق و جنوبشرق آسیا ارسال نمایند اما به لحاظ سیاسی، تیرگی روابط میان ایران و ایالات متحده اجرای هر گونه برنامه‌های انتقال انرژی از طریق ایران را ناممکن ساخته است. هم اکنون بیشتر انرژی خزر از راه روسیه در دو مسیر غرب و شمال به بازارهای جهانی منتقل میگردد. از سوی دیگر استخراج و حفاری در دریای خزر متضمن سرمایه گذاری کلان است و مسائلی چون عدم توانایی تامین سرمایه مورد نیاز برای احداث تاسیسات انتقال نفت و گاز و خطوط لوله توسط کشورهای این حوزه، در کنار عدم انجام تعهدات لازم از سوی مسئولین داخلی و خارجی نسبت به نیازهای مالی پروژه‌های مربوطه و نیز نا مشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر مشکل ساز می‌باشد. در کنار همه عوامل، دخالت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله رقابتهای روسیه و آمریکا، مشکلات سیاسی - امنیتی در کشورهای مسیر عبور لوله‌ها و مسائل زیست محیطی خزر را نیز باید اضافه کرد (مؤسسه بین المللی انرژی، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

بر این اساس موضوع انتقال انرژی از یک موضوع تجاری و اقتصادی به مسئله سیاسی و ژئواستراتژیک تبدیل شده است. در بین کشورهای حوزه خزر روسیه و ترکمنستان دارای ذخایر گازی بالایی هستند. با افزایش تقاضای گاز در جنوب و جنوبشرق آسیا، کشورهای حوزه خزر به ویژه ترکمنستان بدلیل نزدیکی به چین و هند، به مهمترین تامین کننده گاز این دو کشور تبدیل شده است.

ترکمنستان، ذخایر، تولید و صادرات گاز:

ذخایر گاز:

ترکمنستان منابع غنی گازطبیعی دارد بهمین دلیل اهمیت زیادی در بازار انرژی جهان دارد. این کشور طی سالهای پس از استقلال، تلاش زیادی را برای سرمایه گذاری در زمینه اکتشاف و بهره برداری از میادین گازی خود به ویژه درحوزه های خزری قره گلدنیز، دیاربکر و چلگن انجام داده است.

کشف میادین مهم گازی که در سال ۲۰۰۶ با کشف میدان یولتان در نزدیکی میدان عظیم گازی دولت آباد در نزدیکی مرز ایران به اوج خود رسید، موجب تبدیل شدن ترکمنستان به کانون توجه کشورهای مصر ف کننده انرژی به ویژه اروپا و آسیای جنوب شرقی شد. میزان ذخایر گاز ترکمنستان در سال ۲۰۱۰، ۱۳/۴ تریلیون متر مکعب و در

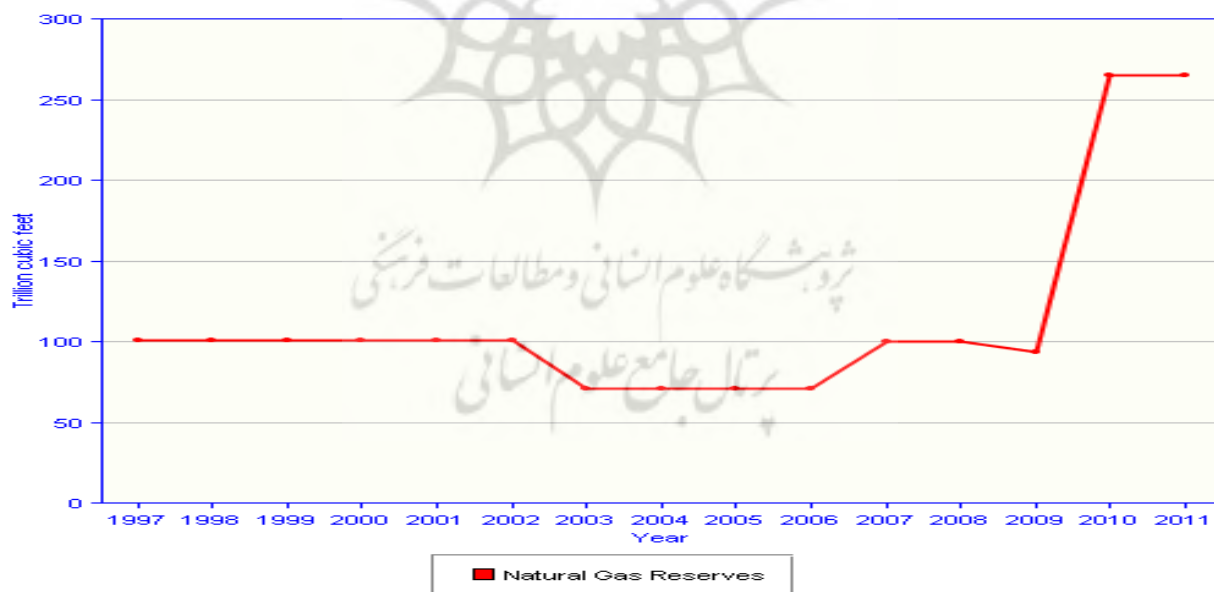
سال ۲۰۱۱، ۲۴/۳ تریلیون متر مکعب اعلام شد که معادل ۱۱/۷٪ کل ذخایر دنیا میشود (BP, 2011). بنابراین این کشور در میان کشورهای تازه استقلال یافته، بعد از روسیه دومین کشور و در سطح جهان بعد از روسیه، ایران و قطر چهارمین دارنده ذخایر گاز طبیعی به شمار میرود. این کشور از ذخایر ناشناخته شده‌ای نیز برخوردار است که با کشف آنها حجم ذخایر گازی این کشور افزایش قابل توجهی پیدا خواهد کرد.

ذخایر گاز طبیعی ترکمنستان تقریباً در سراسر خاک این کشور پراکنده است. اما عمده میادین هیدروکربنی ترکمنستان، میادین گازی است که در بخش جنوب شرقی و شمال شرقی آن متمرکز است از جمله:

۱- منطقه دولت آباد - دون مز^۱ در جنوب شرق ترکمنستان و در نزدیکی سرخس در مرز ایران، بزرگترین منطقه گازی ترکمنستان است. ذخایر گازی این منطقه در سال ۱۹۷۴ کشف شد و در سال ۱۹۸۳ میلادی تولید از این میدان آغاز شده است (تدینی، ۱۳۸۹).

۲- میدان یولتان^۲ جنوبی در نزدیکی میدان عظیم گازی دولت آباد در جنوب شرقی ترکمنستان که با ۱۴ تریلیون مترمکعب گاز به عنوان یکی از مهمترین ذخایر گازی این کشور و یک منبع مهم انرژی در دریای خزر به شمار می آید (اله مرادی، ۱۳۸۹).

۳- منابع گازی دیگر ترکمنستان عبارتند از سویت آباد در ۲۴ ک.م جنوب دولت آباد - دون مز، مالی، سامان تپه، ناییک، قریچلی و آچاک در شرق کشور، قطورتپه و کرپچه^۳ در غرب کشور، میدان های گازی در حوزه مرغاب در مرکز کشور، حوزه یاشلار^۴ و منابع گازی شاشلیک



شکل شماره ۱ - ذخایر گازی ترکمنستان منبع: EIA, [International Energy Statistics](#) °

¹ Donmes

² South Iolotan

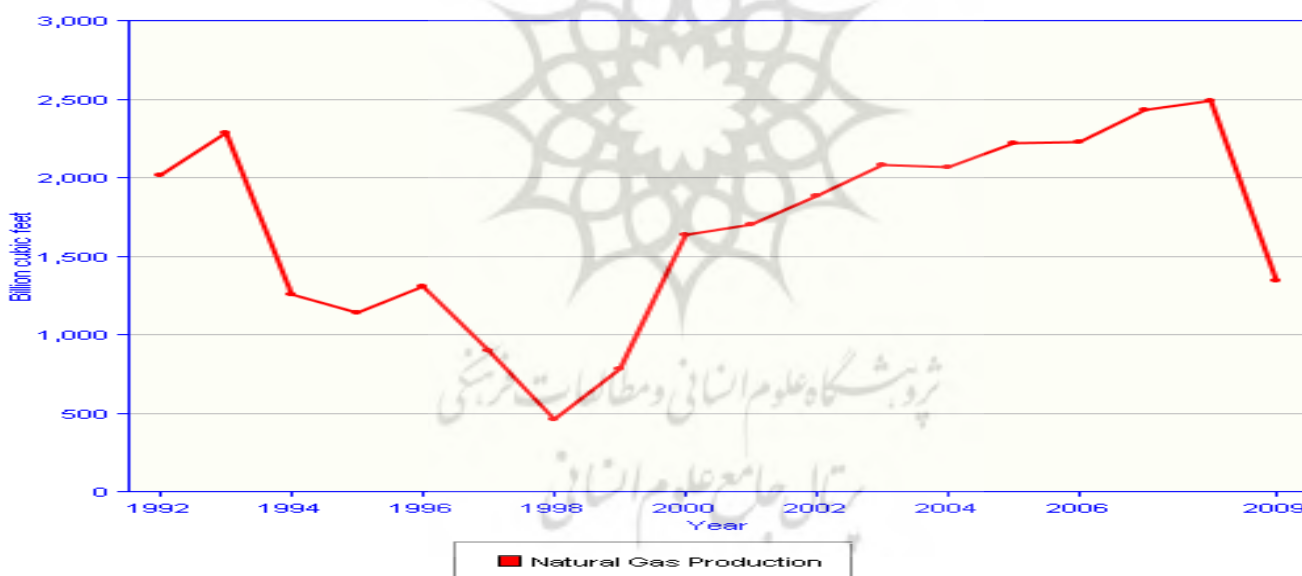
³ Korpedje

⁴ Yashlar

⁷ Energy Information Administration

تولید گاز:

تا سال ۱۹۹۰. میزان تولید گاز ترکمنستان بالا بود. اما میزان تولید انرژی این کشور طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹، از یک سیر نزولی برخوردار بوده است به طوری که از ۵۶/۲ در سال ۱۹۹۲ به ۲۱/۳ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۹ رسید. این کاهش تولید ناشی از عدم توافق با دولت روسیه به دلیل فروش و انتقال گاز و ناتوانی کشورهای تازه استقلال یافته از پرداخت تعهدهای مالی ناشی از دریافت گاز بود. تولیدات گاز ترکمنستان از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ افزایش یافت و با تولید ۶۶/۱ میلیارد مترمکعب رتبه ۱۳ جهان را داشت اما به علت بحران جهانی، تولید گاز در ۲۰۰۹ به ۳۶/۴ میلیارد مترمکعب کاهش یافته و به رتبه ۲۳ جهان تنزل کرد. ترکمنستان در ۲۰۱۰، ۴۲/۴ میلیارد مترمکعب گاز تولید میکرد و رتبه ۲۱ دنیا و در سال ۲۰۱۱، با ۵۹/۵ میلیارد متر مکعب معادل ۱/۸٪ کل تولید دنیا و رتبه ۱۴ جهانی را دارا بوده است (Bp, 2011). براساس پیش بینی های انجام شده تولید گاز ترکمنستان در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب افزایش خواهد یافت که با توجه به پیش بینی مصرف ۴۲ میلیارد مترمکعبی این کشور در سال مزبور، بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب گاز تولیدی این کشور به صادرات اختصاص خواهد یافت (شادی وند، ۱۳۸۹). نا مشخص بودن تقسیمات خزر، موجب کاهش سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز این کشورها از جمله ترکمنستان و در نتیجه کاهش تولیدات این کشورها شده و هنوز آنها را در ردیف تولید کنندگان کوچک انرژی قرار داده است.

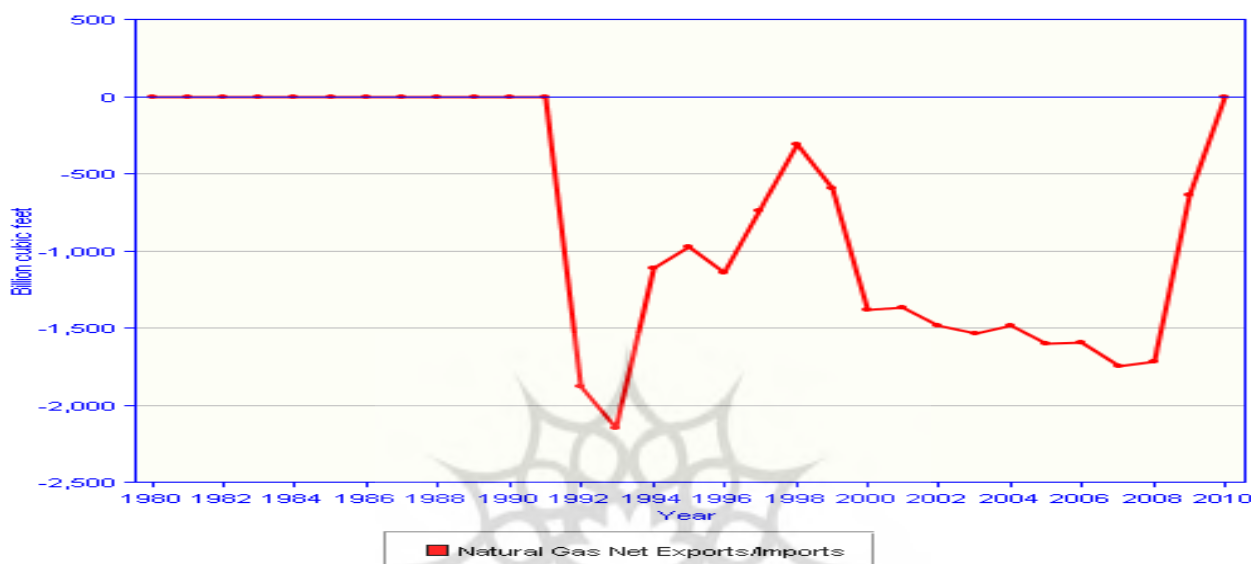


شکل شماره ۲ - تولید گاز ترکمنستان منبع: EIA, [International Energy Statistics](#) 2010

صادرات گاز:

صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ معادل ۴۸/۵ میلیارد مترمکعب بود که به علت کاهش تقاضای جهانی در ۲۰۰۹، این میزان به ۱۴ میلیارد مترمکعب کاهش یافت و عمدتاً از طریق روسیه صادر میشد ([CIA World](#) Factbook). میزان صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۱۰، ۱۹/۷۳ میلیارد متر مکعب و در سال ۲۰۱۱، ۳۴/۶ میلیارد متر مکعب بود. ترکمنستان برای صادرات گاز خود همواره با موانعی مواجه بوده است. این موانع عبارتند از: محصور بودن در خشکی، نفوذ روسیه در انتقال گاز جمهوریها، فقدان سرمایه گذاری خارجی کاف، چالشهای

موجود در منطقه، نبود لوله‌های مناسب انتقال انرژی و ساختار اقتصادی غیر قابل انعطاف در برابر تغییرات جهانی. بر این اساس ترکمنستان به منظور کاهش نفوذ شریک سنتی خود یعنی روسیه، برنامه انرژی خود را بر مبنای افزایش همکاری با شرکتهای غربی، توسعه گسترده همکاری‌های بین المللی در بخش نفت و گاز، تلاش در پروژه های حمل و نقل و ایجاد تنوع خط لوله‌های زیرساختی میداند و توسعه همکاری‌های گسترده بین المللی خود را بر مبنای برابری و سود متقابل قراردادده است (اله مرادی، ۱۳۸۹).



شکل شماره ۳ - صادرات گاز ترکمنستان منبع: EIA, [International Energy Statistics](#)

مسیرهای احتمالی انتقال گاز ترکمنستان:

همانطور که اشاره شد ترکمنستان بدلیل محصور بودن در خشکی مسیرهای مطمئنی برای انتقال انرژی به بازارهای جهانی ندارد و بیشتر به مسیرهای روسیه متکی است. متنوع ساختن مسیرهای انتقال انرژی بهترین روش برای مقابله با این مشکل است.

انتقال نفت و گاز ترکمنستان از مسیرهای زیر امکان پذیر است:

- ۱) مسیر شمالی از طریق قزاقستان و روسیه به اروپا (۲) ترانس خزر (انتقال از زیر دریای خزر به اروپا)
- ۳) خط لوله ناباکو (انتقال به اروپا) ۴) انتقال به چین (مسیر شرق)
- ۵) انتقال به ایران (مسیر جنوب) که با عبور از خاک ایران به دریای عمان و از آنجا از راه آبی به جنوب شرق و شرق آسیا میرسد.

۶) مسیر جنوب شرق، ترانس افغانستان - پاکستان - هند (تاپی) این مسیر بدلیل متعددی چون جنگ و نا آرامیهای سیاسی در افغانستان و تنشهای موجود در روابط هند و پاکستان، با مشکلاتی همراه است. در این مقاله به عوامل موثر در طرح این پروژه و مشکلات اجرایی شدن این خط لوله اشاره میشود.

انتقال گاز ترکمنستان به هند:

این طرح ابتدا در سال ۱۹۹۳ برای انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان مطرح شد و شرکت یونوکال به‌عنوان مجری این پروژه وارد شد. اما ناآرامی سیاسی در افغانستان و اقدامات خشونت طلبانه طالبان موجب شد این شرکت در ۱۹۹۸ خود را از پروژه کنار بکشد. این شرکت بعداً پروژه سنت گاز را مطرح کرد. طرح یک‌هزار و ۶۸۰ کیلومتری جهت انتقال گاز که از میدان گازی دولت آباد ترکمنستان آغاز و موازی با بزرگراه هرات از افغانستان به قندهار و پس از آن در پاکستان از شهر کوئته به مولتان هند می‌رسد. در روز ۵ آوریل ۲۰۰۸، یادداشت تفاهمی بین هند و ترکمنستان در زمینه نفت و گاز امضاء شد. براساس این توافق، دهلی نو متعهد شد ضمن مشارکت در تولید گاز طبیعی در ترکمنستان، گاز تولیدی را از طریق خط لوله ترانس افغانستان منتقل خواهد کرد. در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ م موافقت نامه نهایی برای ساخت خط لوله گازی تاپی از سوی سران کشورهای حاضر در این پروژه در عشق آباد امضاء شد. ظرفیت انتقال این خط لوله ۳۳ میلیارد متر مکعب پیش بینی شد. هزینه احداث آن نیز حدود ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. از آن زمان تاکنون علیرغم مذاکرات و تفاهم نامه های متعدد بین ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند، عواملی از جمله درگیریها و خشونتها در افغانستان و اختلافات میان هند و پاکستان تاکنون مانع از اجرایی شدن این خط لوله شد.



شکل شماره ۴- مسیر لوله تاپی منبع: www.eia.gov/se

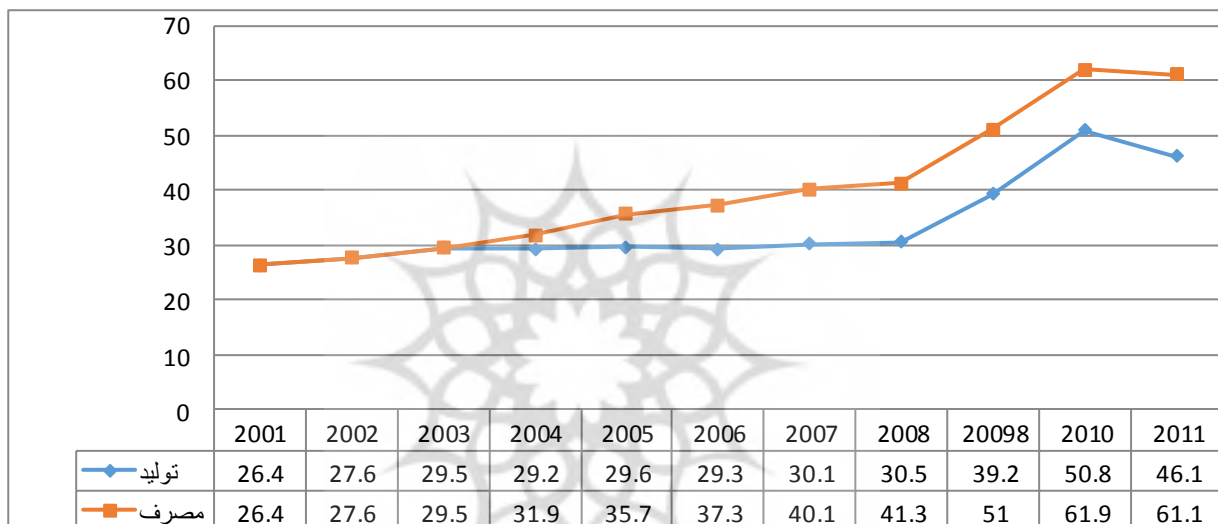
عوامل موثر در ایجاد طرح تاپی:

۱- نیاز هند به انرژی:

در جنوب آسیا هند از متقاضیان بزرگ انرژی محسوب میشود. جهش اقتصادی هند پس از دهه ۱۹۹۰، گستردگی جغرافیایی، رشد جمعیت و افزایش سطح زندگی دهه های اخیر موجب افزایش سریع تقاضای انرژی در این کشور شد و تامین انرژی و امنیت انرژی به دغدغه استراتژیک این کشور تبدیل شد. با توجه به اتکای زیاد هند به زغال سنگ که آلودگی های زیست محیطی زیادی همراه دارد و تولید کم گاز در داخل و نیز توجه جهانی به گاز طبیعی به‌عنوان سوختی با آلودگی کمتر و حمل آسانتر، هند نیز آنرا به تدریج جایگزین دیگر سوخت های مصرفی کرده و

واردات گاز هند در آینده افزایش پیدا میکند. بیشتر گاز مصرفی هند برای تولید برق استفاده میشود. مصرف گاز این کشور در ۲۰۱۱ م ۶۱/۱ میلیارد متر مکعب اعلام شد که ۱۷/۰۱ میلیارد متر مکعب آن از خارج وارد شد. بنابراین هند به منظور تداوم رشد اقتصادی و رسیدن به نرخ رشد بالا ناگزیر به برقراری روابط با تولید کنندگان انرژی برای تامین انرژی بلند مدت است و تولید کنندگان اصلی انرژی به ویژه گاز در سیاست خارجی هند جایگاه ویژه‌ای می یابند.

بر این اساس هند به گزینه‌های مختلف واردات گاز از بنگلادش، ایران، قطر، میانمار و ترکمنستان فکر میکند. ترکمنستان و ایران بدلیل ذخایر بالای گاز از منابع مهم تامین گاز هند محسوب میشوند. از سوی دیگر آنجا که هند به کشورهای آسیای مرکزی به عنوان جایگزین انرژی خاورمیانه توجه دارد، کاهش وابستگی به انرژی خاورمیانه را نیز مد نظر دارد تا از بحرانهای خاورمیانه کمتر تاثیر بگیرد.



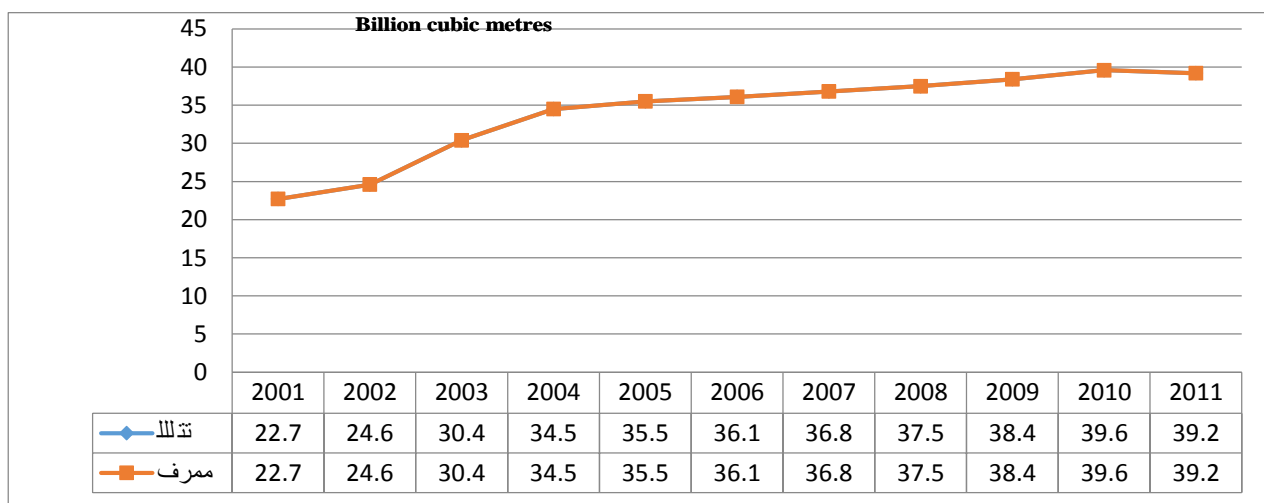
شکل شماره ۵- تولید و مصرف گاز هند (میلیارد متر مکعب)

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2011

۲- نیاز پاکستان به انرژی:

پاکستان کشوری است با جمعیت روبه رشد که همیشه با مشکل تامین انرژی برای این جمعیت روبرو بوده است. بسیاری از شهرهای بزرگ این کشور با مشکل روزانه ساعت ها قطعی برق مواجه هستند. در کنار آن افزایش تقاضا برای گاز در صنایع را نیز باید اضافه کرد. حجم کم گاز تولیدی در داخل کشور موجب علاقه این کشور برای تامین گاز از همسایگان خود از جمله ایران و ترکمنستان شد. بر اساس آمار Bp میزان تولید و مصرف گاز پاکستان در طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ یکسان بوده است. بدین معنا که پاکستان کمبود گاز مورد نیازش را با استفاده از انرژی‌های سنتی رفع میکند. در سال ۲۰۱۱ مصرف گاز پاکستان، ۳۹/۲ میلیارد متر مکعب بود که در سالهای آینده افزایش خواهد یافت. بنابراین پاکستان برای تامین نیاز خود مجبور به وارد کردن گاز است از جمله واردات گاز از ترکمنستان، قطر و ایران. اما موقعیت مالی ضعیف پاکستان تامین اعتبار برای پروژه های خط لوله را مشکل کرده است و این پروژه ها برای پاکستان توجیه اقتصادی نخواهد داشت مگر اینکه مقصد خط لوله کشور دیگری مانند

هند باشد تا از عواید حاصل از حق ترانزیت آن استفاده کند. عبور خط لوله ترکمنستان به هند از خاک پاکستان، این کشور را قادر میسازد تا بخشی از نیازهای خود به انرژی را از این طریق و با نرخ ارزاتر رفع نمایند. همچنین موقعیت استراتژیکی پاکستان به عنوان یک کشور گذرگاهی در تجارت جهانی انرژی افزایش خواهد یافت.



شکل شماره ۶ - تولید و مصرف گاز پاکستان

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2011

۳ - نقش آمریکا در پروژه انتقال گاز ترکمنستان به هند:

با سقوط شوروی و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته‌ای که برخی از آنها از جمله ترکمنستان و آذربایجان دارای منابع سرشار انرژی بودند تلاشهای آمریکا برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در این کشورها و کاهش نفوذ ایران و روسیه در انتقال نفت و گاز خزر آغاز شد. امروزه غرب به ایران به عنوان کشوری دارای ذخایر استراتژیکی که مسیر انتقال این ذخایر را نیز در اختیار دارد نگاه میکنند که میتواند نقش محدود کننده یا تسهیل کننده ای در دسترسی سایر کشورها به این منابع داشته باشد (لطفیان، ۱۳۸۷). ایران به عنوان دومین کشور دارنده ذخایر گازی جهان میتواند با صدور گاز به کشورهای جنوب و شرق آسیا به ویژه چین و هند و پاکستان نقش مهمی در تامین نیاز آنها ایفا کند. علاوه بر آن دارای موقعیت استثنایی جهت انتقال منابع انرژی همسایگان شمالی خود از جمله انتقال منابع گازی ترکمنستان به ساحل خلیج فارس جهت صدور به هند و جنوب شرق آسیا است.

اما آمریکا برای رسیدن به اهداف استراتژیکی خود در خاورمیانه و جهان، انزوای اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران را ضروری میدانند و موانع زیادی در اجرای پروژه هایی ایجاد کرده است که ایران در آنها نقش دارد از جمله تلاش برای تضعیف، تخریب و حتی حذف نقش ایران، ارائه تصویری مداخله جویانه و تهدید کننده از ایران، دامن زدن به اختلافات ایران و کشورهای همسایه و حمایت گسترده سیاسی - مالی از طرح هایی که نقش ایران را نادیده میگیرد، همه نشان از تلاش آمریکا برای تضعیف و حتی حذف نقش ایران در انتقال انرژی خزر است. در کنار آن تلاش ایران برای اعمال نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه تا نقش آمریکا را کم اثرتر کند هم توسط آمریکا به بن بست رسید و بدلائل مختلفی تاکنون چندان موفق نشده است. با وجود اذعان مقامات آمریکایی به ظرفیت های بالقوه ایران به عنوان تنها کشور ارتباط دهنده دو انبار تامین کننده انرژی ق ۲۱. م یعنی خلیج فارس و خزر، این

امکان باید خنثی شود تا امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد تفسیر آمریکا حفظ شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱). بر این اساس آمریکا با هرگونه همکاری انرژی ایران با کشورهای جنوب و شرق آسیا مخالف است و علیرغم تشویق هند و پاکستان به کاهش تنش میان خود به روشنی مخالفت خود را با مشارکت این دو کشور در امور انرژی با ایران اعلام کرده و خواستار عدم توافق پاکستان، هند و چین با ایران درباره «خط لوله صلح» یا آیبی^۱ شد. نتیجه این تلاشها، طرح مسیرهای دیگر برای انتقال انرژی خزر توسط آمریکا بود از جمله مسیر ترکمنستان - افغانستان - پاکستان که در ادامه به هند میرسد (تاپی).

موانع صادرات گاز ترکمنستان به هند:

۱ - اختلافات بین هند و پاکستان:

با آنکه این پروژه منافع اقتصادی و سیاسی فراوانی برای پاکستان و هند به همراه خواهد داشت اما واقعیت این است که اختلافات و تنش‌های عمیق ایدئولوژیکی و سرزمینی میان هند و پاکستان از جمله اختلافات بر سر کشمیر یکی از مهمترین موانع در احداث این پروژه است. از دیگر مسائل مهم میان دو کشور حق ترانزیتی است که پاکستان از دولت هند برای عبور خط لوله و انتقال گاز دریافت خواهد کرد و در مقابل باید امنیت انتقال گاز به هند را تامین کند و در صورت توقف انتقال گاز پاکستان باید به هند غرامت بپردازد. برای هند امنیت عرضه گاز اهمیت بسیاری دارد و با وجود مذاکرات فراوان اما بدلیل «دغدغه‌های امنیتی» در ارتباط با این پروژه و مساله تروریسم در پاکستان، هنوز هند اطمینان کامل ندارد و اعلام کرده در صورتی که شرکت‌های بزرگ بیمه بین‌المللی حاضر به پوشش این پروژه ۷/۳ میلیارد دلاری شوند، آماده اجرای آن خواهد بود.

بنابراین هند در کنار مذاکرات با پاکستان بر سر عبور خط لوله گاز و برای کاهش وابستگی به یک گذرگاه و افزایش ضریب امنیت عرضه انرژی، بخشی از نیاز انرژی خود را به گونه lng (با کشتی) و بیشتر از شرکت پترون (petronet) قطر وارد میکند. این نشانگر آنست که در نقاطی که همکاری‌های دو کشور دستخوش بحرانهای سیاسی شود، واردات گاز هند به شکل lng انجام شود (بهریزی فروحاجی میرزایی، ۱۳۸۴). با وجود این مشکلات در صورتی که هند و پاکستان حاضر به مشارکت در تاسیس چنین پروژه طولی برای تامین گاز آینده خود شده باشند یعنی قطعاً برای همیشه از دریافت گاز ایران صرف نظر کرده اند.

۲ - ناآرامیهای افغانستان:

عبور خط لوله از ارتفاعات صعب العبور افغانستان، نبود زیر ساختهای اقتصادی مناسب، قاچاق مواد مخدر و مهمتر از همه جنگ‌های داخلی و قومی و حضور گروههای افراطی القاعده از جمله طالبان و نقش این گروه در ناآرامیهای سیاسی افغانستان، نگرانیهایی را برای هر سه کشور ترکمنستان، پاکستان و هند به همراه دارد. زیرا تاثیرات این ناآرامیها در کل منطقه و به‌ویژه در احداث خط لوله ترکمنستان به هند و انتقال گاز از آن کاملاً قابل پیش بینی است. این مشکلات امنیتی میتواند یکی از موانع اصلی مذاکرات بر سر عبور خط لوله گاز از مسیر افغانستان باشد. بنابراین رفع آنها یکی از پیش شرطهای ادامه مذاکرات برای عبور خط لوله از مسیر افغانستان است.

۳ - اختلافات بر سر بهای گاز و حق ترانزیت گاز:

بهای گاز و حق ترانزیت آن از گذشته تاکنون موضوع اصلی گفت‌وگوهای خط لوله تاپی بوده است. ترکمنستان می‌خواهد قیمت گاز صادراتی‌اش برای هر یک از کشورهای عضو این پروژه متفاوت باشد. اما بقیه کشورهای حاضر در پروژه مخالفت کردند. در آوریل ۲۰۰۸، پاکستان و هند قیمت ۲۰۰ دلار برای هر یک هزار مترمکعب گاز وارداتی از ترکمنستان در مرز ترکمنستان - افغانستان مطرح کردند، اما ترکمنستان آنرا پائین‌تر از قیمت‌های بازار گاز دانست (شانا، ۱۳۸۹). همچنین ترکمنستان اعلام داشته که هیچ تعهدی بعد از واگذاری گاز در مرزهای خود، اعم از مشارکت در احداث خط لوله، یا تعهد در قبال امنیت آن بر عهده نخواهد گرفت. در مذاکراتی که در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ بین کشورهای حاضر در اجرای خط لوله درباره گازبها و تعرفه ترانزیت گاز از مسیر این خط لوله صورت گرفت پاکستان پیشنهاد یکسان بودن بهای گاز را برای همه کشورهای حاضر در این پروژه گازی (هند و افغانستان) مطرح و تاکید کرد تعرفه ترانزیت گاز نباید بخشی از بهای گاز در نظر گرفته شوند. هم چنین با اعلام مخالفت خود درباره هماهنگی و ارتباط بهای گاز با قیمت نفت خام تاکید کرد قیمت‌های گاز باید با قیمت‌های داخلی این ماده هماهنگ و مرتبط شود. هند نیز در طول این گفت‌وگوها پیشنهاد هماهنگ‌سازی بهای گاز با قیمت‌های زغال سنگ را مطرح کرد. همچنین خواهان پرداخت گازبهای کمتری نسبت به هزینه‌های تمام شده برای واردات گاز طبیعی مایع شده (ال.ان.جی) است. یک مقام ارشد پاکستانی در ۲۲ می ۲۰۱۲ به پایگاه اینترنتی پاکستان آبرور اظهار کرد پاکستان ۲۱۷ میلیون دلار به عنوان تعرفه ترانزیت گاز از هند دریافت و همین مقدار مشابه را به عنوان تعرفه ترانزیت گاز به افغانستان پرداخت خواهد کرد (شانا، ۱۳۹۱). طرف دیگر این خط لوله افغانستان است که ابتدا حاضر به قبول هیچ گونه تعرفه ثابت ترانزیت گاز با خط لوله تاپی نبود و اعلام کرد ترجیح می‌دهد که تعرفه ترانزیت گاز با بهای گاز مرتبط و هماهنگ شود. یعنی با افزایش و کاهش بهای گاز تعرفه آن نیز تغییر پیدا کند (شانا، ۱۳۹۰). از سوی دیگر به گفته یک مقام پاکستانی در مذاکرات ۲۳ و ۲۴ می ۲۰۱۲ که بین مقامات ۴ کشور حاضر در پروژه در ترکمنستان صورت گرفت افغانستان کناره‌گیری خود را از دریافت گاز ترکمنستان به دلیل نداشتن زیرساخت‌ها و شبکه گازی اعلام و گزارش داده تن‌ها به دریافت تعرفه ترانزیت گاز با خط لوله تاپی علاقه مند است. به گفته وی، چنانچه کابل بر موضع خود در این باره پایبند به ماند، سهم گازی که این کشور قرار است با خط لوله تاپی دریافت کند، میان پاکستان و هند تقسیم خواهد شد (شانا، ۱۳۹۱). با وجود مذاکرات متعدد اما مساله قیمت گاز و تعرفه ترانزیت گاز تاکنون حل نشده است.

۴ - تلاش ایران برای جایگزینی لوله صلح:

در چند سال گذشته یکی دیگر از دلایلی که برای توقف پیشرفت خط لوله تاپی مطرح شد تلاش ایران برای جایگزینی لوله صلح به جای تاپی بوده است. از آنجا که پاکستان همیشه با مشکل تامین انرژی روبرو بوده است و رسیدن به توافق بر سر لوله تاپی نیز به سالها زمان احتیاج است، این کشور قصد دارد برای تامین بخش مهمی از نیاز انرژی خود گاز طبیعی را از طریق خط لوله از ایران وارد کند. ایران نیز با آگاهی از این قضیه سالهاست که برای انتقال گاز خود به شبه قاره سرمایه گذاری کرده، هزینه و صبوری زیادی به خرج داده و مذاکرات متعددی با پاکستان و هند انجام داده است. طبق برنامه قرار بود امور ساخت پروژه خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری موسوم به خط

لوله صلح مابین ایران و پاکستان تا پایان سال ۲۰۱۴ به پایان برسد. احداث خط لوله گاز طبیعی ایران و پاکستان هزینه‌ای معادل هفت و نیم میلیارد دلار در پی خواهد داشت. در پی اجرای پروژه مورد بحث از ایران به پاکستان در طول ۲۵ سال روزانه ۲۱ و نیم میلیون متر مکعب گاز طبیعی صادر خواهد شد (شفقنا، ۱۳۹۱). اما اختلاف های تهران و اسلام آباد بر سر بهای ترانزیت گاز و نیز شکوه های هند از رقمی که باید بابت گاز انتقالی به ایران پردازد تاکنون مانع رسیدن به توافق نهایی در این زمینه شد. در این بین افغانستان نگران است که تلاش های ایران برای پیش بردن پروژه خط لوله صلح به توافقاتی با پاکستان منجر شود. برخی مقام های وزارت صنعت و معدن افغانستان حتی معتقدند که ایران یکی از مخالفان اجرای پروژه تاپی است چون می خواهد زمینه فروش گاز طبیعی خود را به پاکستان و دیگر کشورها فراهم کند. با توجه به دشمنی های تاریخی پاکستان و هند و نیز اختلاف های اخیر افغانستان و پاکستان در مورد تاپی، توافق ایران و پاکستان بر سر لوله صلح، افغانستان را از عواید حاصل از ترانزیت گاز خط لوله تاپی محروم میکند. کابل روی درآمد ناشی از انتقال این خط لوله حساب ویژه‌ای باز کرده ولی اکنون که اسلام آباد با دهلی و کابل میانه چندان مطلوبی ندارد و از سویی روابط معتدل و آرامی با تهران دارد، افغانستان نگران پروژه تاپی است و می گوید این ایران است که در حال مانع تراشی و اخلال در مسیر توافقات است تا دست کم انتقال گاز خود را تا پاکستان قطعی کند. عاصم حسین دستیار ویژه نخست وزیر پاکستان در امور نفت و منابع طبیعی در پاییز ۲۰۱۱ در جریان یک کنفرانس خبری در اسلام آباد اعلام کرد که ایران موافقت کرده است یک خط رسانی وزیر خارجه سابق پاکستان نیز در واکنش به مخالفت های آمریکا در زمستان ۲۰۱۲ تاکید کرد اسلام آباد تسلیم فشارهای خارجی نخواهد شد و این پروژه را اجرا خواهد کرد. اجرای این پروژه به نفع امنیت انرژی و منافع ملی پاکستان خواهد بود. وی افزود پاکستان با بحران واقعی انرژی روبرو است و باید هر چه سریعتر انرژی مورد نیاز خود را تامین کند (سایت عصر ایران، ۱۳۹۰). بر این اساس پاکستان مصمم است تا رسیدن به توافق نهایی با ایران به مذاکراتش با ایران ادامه دهد و البته در این زمینه باید بتواند نظر مساعد آمریکا را نیز جلب کند.

نتیجه گیری:

جنگ در افغانستان، مشکلات امنیتی در پاکستان و اختلافات هند و پاکستان از جمله موانع احداث خط لوله تاپی محسوب میشود. هم ترکمنستان و هم افغانستان، می خواهند سالانه میلیون ها دلار بابت نقل و انتقال گاز درآمدزایی کنند اما فضای متشنج سیاسی میان سه کشور هند، افغانستان و پاکستان به قطعیت رسیدن این تفاهم را با شک و تردید همراه کرده است (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱). ترکمنستان نیز در توافق نامه ای که با پاکستان و هند داشته است اعلام کرده که هیچ تعهدی بعد از واگذاری گاز در مرزهای خود، اعم از مشارکت در احداث خط لوله، یا تعهد در قبال امنیت آن بر عهده نخواهد گرفت (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹). بنابراین چالش های بی شماری درباره این طرح میان کشورها وجود دارد. البته نباید از خاطر برد که این طرح از حمایت بی شائبه ایالات متحده آمریکا برخوردار است و آمریکا برای عدم تحقق طرح خط لوله صلح که قرار بود گاز حوزه پارس جنوبی را از ایران به پاکستان و هند منتقل کند، از پروژه احداث خط لوله تاپی حمایت میکند. با وجود چالش ها و مشکلات زیاد بر سر اجرای این طرح، باید توجه داشت که در صورت عملی شدن آن، نه تنها اقتصاد افغانستان از طریق کسب عوارض ترانزیتی

تقویت می‌شود، به لکه مناسبات میان هند و پاکستان که دو رقیب متخاصم در منطقه محسوب می‌شوند نیز مستحکم‌تر خواهد شد. با آن که پروژه ساخت خط لوله تاپی در صورت اجرایی شدن، جهش بزرگی در ارزآوری برای دولت ترکمنستان ایجاد خواهد کرد، اما به نظر می‌رسد برنامه احداث یک خط لوله گاز طبیعی در منطقه‌یی که هم افغانستان جنگ‌زده و هم پاکستان را که با چالش‌های امنیتی و تروریستی مواجهند در برگیرد، تا حد زیادی غیر عملی نشان می‌دهد و احتمال دارد و این پروژه همچنان در حد یک طرح روی کاغذ باقی به ماند و کم کم به بادفراموشی سپرده شود. در سوی دیگر این مساله ایران قرار دارد که جفری کمپ آنرا مرکز ژئوپولیتیک جهان معرفی میکند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ص ۱۵). مهمترین نقطه قوت ایران در عرصه تجارت گاز وجود منابع و ذخایر غنی گاز است. ایران هم به تولید کنندگان بزرگ گاز یعنی روسیه، قطر و ترکمنستان نزدیک است هم به مصرف کنندگان بزرگ گاز چون اروپا در غرب و چین و هند در شرق. بنابراین میتواند با صدور گاز به کشورهای جنوب و شرق آسیا به‌ویژه چین و هند و پاکستان نقش مهمی در تامین نیاز آنها ایفا کند. هم چنین بدلیل دسترسی به اقیانوس ها از طریق دریای عمان به راحتی میتواند از هر دو شیوه انتقال گاز (با خط لوله و با کشتی) بهره برد (آذری و ابراهیمی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد نقش ایران در منطقه علیرغم مخالفت آمریکا اما به علت ذخایر بالای انرژی به‌ویژه گاز و موقعیت استراتژیک جغرافیایی و نیز قدرت بالای چانه زنی منطقه‌ای هم چنان مهم و قابل اعتنا به ماند. گرچه با توجه به زیر فشار بودن کشورهای منطقه در خصوص همکاری با ایران، موضوع صادرات انحصاری از مسیر ایران فعلا منتفی و فقط به عنوان یکی از مسیرهای صادرات روی ایران حساب باز می‌شود اما همچنان رقیب جدی برای کشورهای منطقه در فروش گاز به بازارهای مصرف محسوب میشود (نوبخت و قدیمی، ۱۳۸۷). در این شرایط است که میتوان به تامین امنیت انرژی برای ایران امیدوار بود. باید توجه داشت یکی از ابزارهای تامین امنیت انرژی برای ایران استفاده از دیپلماسی انرژی است. در این زمینه جلب سرمایه گذاری خارجی و افزایش صادرات انرژی باید مد نظر باشد. امروزه سرمایه گذاری‌های گسترده ای در بخش نفت و گاز منطقه در جریان است که بازار رقابتی جدی را پیش روی ایران قرار میدهد و آمادگی در این زمینه ضروری است. واقعیت اینست که در دنیای امروز رفتار تجاری نیاز به ابزارها و اهرم‌هایی جدید دارد ابزاری که با اتکا به راهبردهای علمی در اختیار اقتصاد قرار میگیرد، در غیر اینصورت بدون شک بخش بزرگی از بازارهای جهانی به سادگی از دست می‌رود (آذری و ابراهیمی، ۱۳۸۶).

منابع:

- ۱- آدمی، علی، ۱۳۸۹، تاثیر انرژی بر گسترش همکاری‌های ایران با شبه قاره هند (با تاکید بر خط لوله صلح)، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم شماره سوم ف ص ۷ - ۲۸
- ۲- آذری، مصطفی و ایلناز ابراهیمی، ۱۳۸۶، چشم انداز انرژی در خاورمیانه و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- ۳- آذری، مصطفی و ایلناز ابراهیمی، ۱۳
- ۴- اله مرادی، آزاده، ۱۳۸۹، ساختار تولید و انتقال انرژی جمهوری ترکمنستان، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا سال پنجم، شماره ششم، ص ۱۵۷ تا ۱۷۹
- ۵- اینترنت، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹، شرایط سخت ترکمنستان در طرح "تاپی"

- ۶- اینترنت، سایت شانا (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی)، ۱۳۸۹، رشد ۳ برابری تولید گاز ترکمنستان تا افق ۲۰۱۵
- ۷- اینترنت، سایت شانا، ۱۳۹۰، کابل با پرداخت تعرفه ثابت ترانزیت گاز مخالف است
- ۸- اینترنت، سایت شانا، ۱۳۹۱، پس از ۱۴ سال تردید و چالش قرارداد خط لوله تابی امضا می شود
- ۹ - اینترنت، سایت شفقا، ۱۳۹۱، واکنش آمریکا به پروژه احداث خط لوله گاز ایران به پاکستان
- ۱۰- اینترنت، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱، اهمیت سفر زرداری برای ایران و افغانستان
- ۱۱ - اینترنت، سایت عصر ایران، ۱۳۹۰، پاکستان بر سر دو راهی واردات گاز ایران
- ۱۲ - بهروزی فر، مرتضی و سید محمد علی حاجی میرزایی، ۱۳۸۴، بازارهای جهانی گاز طبیعی و برنامه‌های صادرات گاز ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۴-۲۲۳
- ۱۳ تدینی، مهدی، ۱۳۸۹، بررسی پتانسیل نفت و گاز دریای خزر و پروژه های مرتبط با آن، مجله اکتشاف و تولید، شرکت ملی نفت ایران، شماره ۶۷، ص ۲۸ تا ۳۴
- ۱۴- دیلمی معزی، امین، ۱۳۸۸، خزر در سیاست جهانی تعامل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک، پایگاه حوزه
- ۱۵ - شادی وند، قادر، ۱۳۸۹، بررسی تحولات ساختاری صنعت نفت و گاز ترکمنستان، معاونت برنامه ریزی وزارت نفت، شماره ۱۳۴ ص ۲۴ - ۳۰
- ۱۶ - کاندیوتی، رافائل، ۱۳۸۸، تحلیل تاریخی خطوط لوله نفت و گاز، ترجمه مریم پاشنگ و مجید مجیدی حسین آبادی، نشر مؤسسه مؤسسه بین المللی انرژی
- ۱۷ - کمپ، جفری و رابرت هارکاو، ۱۳۸۳، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی
- ۱۸ - لطفیان، سعیده، ۱۳۸۷، ایران و خاورمیانه انتخابهای دشوار و موضوعیت واقع گرایی، فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی دوره ۳۸ شماره ۳، ص ۱۹۱ - ۲۱۶
- ۱۹ - مؤسسه بین المللی انرژی، ۱۳۸۰، ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی از ایران در مقایسه با مسیرهای احتمالی دیگر
- ۲۰ - نوبخت، محمد باقر و خلیل قدیمی، ۱۳۸۷، منطقه آزاد انرژی در ایران - امکان سنجی و تاثیرات، ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دفتر گسترش تولید علم
- ۲۱ - مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت
- ۸۸ - سازمان کشورهای صادرکننده گاز، شکل گیری، فرصتها و تهدیدها، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

21 - BP Statistical Review of World Energy June 2012

22 - Cia fact book

23 - EIA, International Energy Statistics

24 - www.eia.gov/s e



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی